

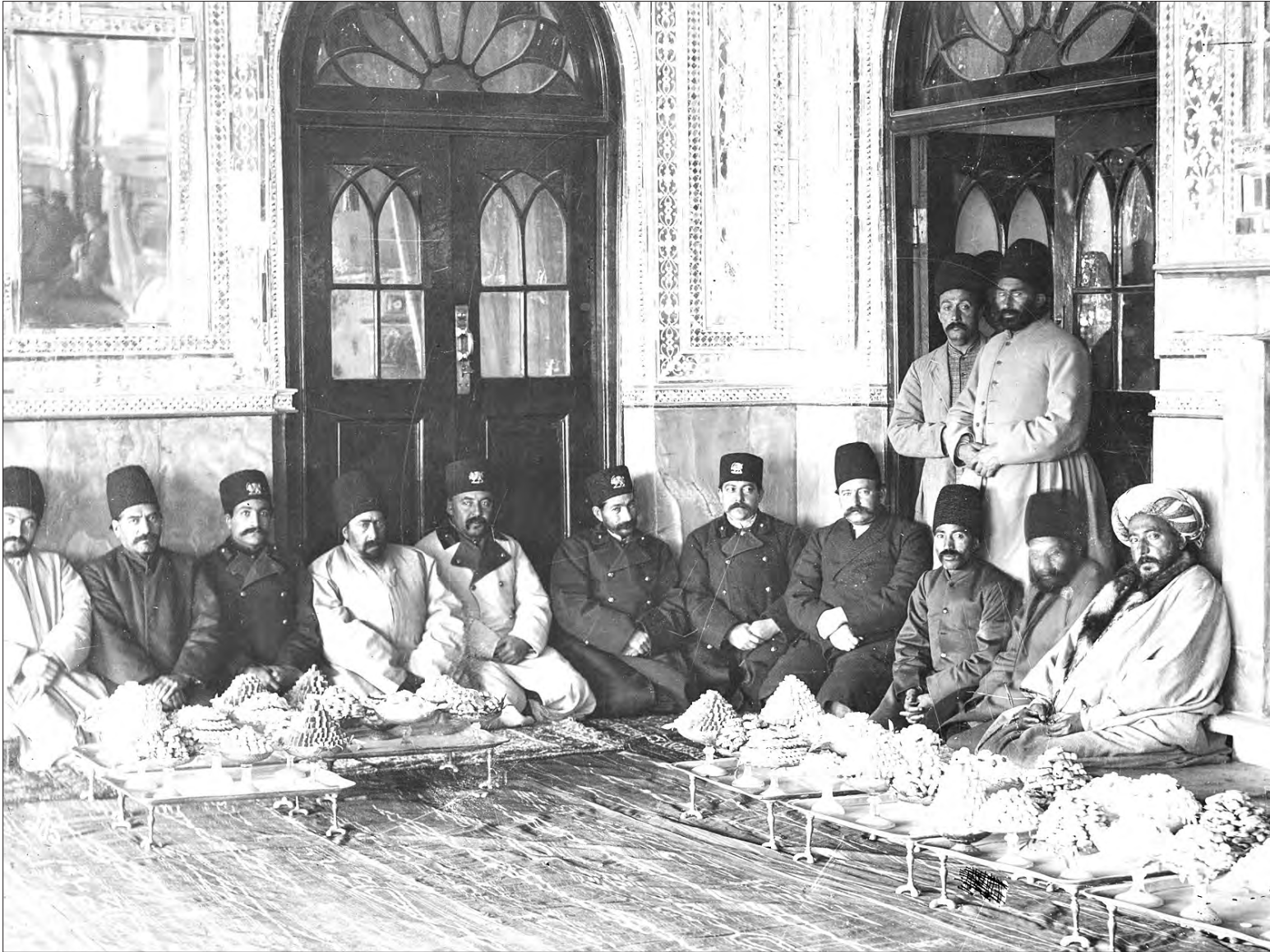
**پرستو رحیمی - تاریخ بزه** جشن‌ها و عیدهای بسیار از دیرباز تاکنون در فرهنگ و تاریخ ایرانی وجود داشته که نوروز مهمترین آنها بوده است. اوژن اوین، سفیر فرانسه در ایران عصر قاجار، جشن باستانی نوروز را یکی از دستاوردهای فرهنگی نیاکان ایرانیان برشمرده که از آغاز پیدایش آن از زمان جمشید، پادشاه اسطوره‌ای تا امروز، با شوری ویژه برگزار کرده‌اند. آیین‌هایی چون نوروز بزرگترین دلیل همبستگی ملی ایرانیان در تاریخ دیرینه سرزمین‌شان به شمار می‌آمده است. این آیین باستانی بیش از دو هزار سال در تاریخ و سرزمین ایران پیوستگی داشته است و هیچ رخداد و دگرگونی نتوانسته است آن را از بستر جامعه و خاطره جمعی ایرانیان بزاید.

#### شگفت‌انگیز یا مضحک روایت جهانگردان

هانی رنه دالمانی، عتیقه‌شناس و جهانگرد فرانسوی در دوره قاجار، در کتاب «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» در این باره می‌نویسد «به قدری ایرانیان به نوروز علاقه و دلچسپی دارند که هیچ‌گونه پیشامدی اعم از سیاسی یا مذهبی نتوانسته است آن را منسوخ نماید و یا حداقل از ابهت و شکوه آن بکاهد». بسیاری از آداب اصلی این عید باستانی در همه دوره‌های تاریخ ایران اجرا می‌شده است؛ هر چند در پاره‌ای جزئیات تفاوت‌هایی داشته است که با بررسی منابع تاریخی به‌ویژه سفرنامه‌های جهانگردان به آنها می‌توان دست یافت. بسیاری از این رسم‌ها و آیین‌ها برای جهانگردان، شگفت، حتی به روایت هانی رنه دالمانی «مضحک» بوده است. لیدی مری شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در ایران در روزگار ناصرالدین شاه قاجار اما زیرکی ایرانیان را در بر پایی چنین جشنی در بهترین فصل سال می‌ستاید «باید اعتراف کرد که ایرانی‌ها در مورد برگزاری جشن سال نو معقول‌تر و منطقی‌تر از ما بوده‌اند، چون آنها به جای آن که تحویل سال خود را مثل ما در وسط زمستان قرار دهند، آن را طوری انتخاب کرده‌اند که شروع سال جدیدشان آغاز سال خورشیدی باشد». گاسپار دروویل، افسر فرانسوی در روزگار فتحعلی‌شاه در ایران در سفرنامه‌اش می‌نویسد «مراسمی که بدین مناسبت برگزار می‌شود از زمان زرتشتیان باستان تاکنون حفظ شده و به گمان من نظیر چنین عیدی در تمام مشرق‌زمین وجود ندارد». نوروز برای ایرانیان بر پایه روایت‌های جهانگردان همچون قلبی تنیده اهمیتی بسیار داشته است. هنریش بروگش، جهانگرد آلمانی، واژه «نوروز» را برای همه ایرانیان سحرآمیز و معجزه‌آسا برمی‌شمرد که با شنیدن آن قلب همه می‌تپد و به امید نوروز آینده که روزگاری بهتر داشته باشند، همه گرفتارهای و مشکل‌های کنونی را تاب می‌آورند و همه سال را از در زوی رسیدن نوروز.

#### جشنی به پای دل مردم

جهانگردان در دوره‌های گوناگون مراسم و جشن‌های مردمی نوروز را به زیبایی وصف کرده‌اند. سنت‌های خانه‌تکانی، خرید نوروزی و سبزه‌انداختن برای سفره هفت‌سین، پیش از نوروز روح داشته است. ادوارد هولاک، پزشک اتریشی دارالفنون و دربار ناصرالدین‌شاه خانه‌تکانی را از شیوه‌های نیکو و پسندیده ایرانیان برمی‌شمرد «مردم چند روز پیش از عید به پاکیزه کردن خانه‌ها و فرش‌تکانی می‌پرداختند. معمولاً خانه‌تکانی سالی یک‌بار و هنگام نوروز انجام می‌گرفت». جعفر شهری، تاریخ‌نگار و روایت‌گر فرهنگ مردم در کتاب «طهران قدیم» نیز خانه‌تکانی را از سنت‌های اصلی نوروز دانسته که در خانه میج اعیان و گدایی تعطیل نمی‌شده است «خانه‌تکانی شامل بود بر فرش‌تکانی، از گلیم و قالی و نم و حصیر تا شست‌وشوی پرده‌ها، روپوشی‌ها، چادرش‌ها، روتشکی‌ها، ملحفه‌ها



نیک‌مهران‌چیل در دور قاجار - عکس آنتوان سورنورین

خاطره‌نگاران و جهانگردان، آیین‌های نوروز ایرانی و باورهای مردمی را چگونه روایت کرده‌اند

## جشنی تاریخی در دل مردم

نوروز و ننه پیرزن» با درونمایه‌ای عاشقانه که به وسال هم نمی‌رسیده‌اند. عمو نوروز همه سال را در جست‌وجوی ننه پیرزن گرد عالم می‌چرخد، در حالی که ننه پیرزن در گوشه‌ای به بزکودوک مشغول بود. لحظه تحویل‌سال که عمو نوروز سر می‌رسد ننه پیرزن را خواب می‌برد و عمو نوروز نیز عشق او را واقعی نمی‌داند و می‌رود. روایتگر این داستان بسر آن بودند که خفتگان هرگز به مراد دل نمی‌رسند، از این رو اگر زمان تحویل سال کسائی خواب باشند، سال‌شان به سستی، رخت و سردی می‌گذشت. ایرانیان باورهایی نیز درباره آغاز سال نو و کسب‌وکارشان داشتند. جعفر شهری روایت می‌کند که چراغ مغازه و همه چراغ‌های منزل را تا روز دوم عید روشن نگه می‌داشتند تا روز یفشان بر جا ماند، همچنین هنگام تحویل سال به دکان‌هایشان رفته، ساعتی دادوستد می‌کردند. درباره رشته‌پلوی شب پس از تحویل سال نیز باور داشتند سر رشته کارها را به دست می‌دهد. جعفر شهری در این باره می‌نویسد «اگر مرد و سرپرست خانواده بود و رشته کسب از دستش به در رفته‌بود اولین بشقاب پلو را برای وی می‌کشیدند. اگر دختری بختش بسته شده‌بود روز دیگر آن را روشن می‌کرد».

این بود که زن خانه به تعداد جمعیت خانواده، مشت‌مشت گندم، عدس یا ماش برداشته در ظرفی سفالین می‌ریخت و با هر مشت نیت سلامتی، تندرستی و گشایش روزی برای هر یک از افراد می‌کرد». باورهایی عامیانه نیز در این میانه پدید آمده بود. پاره‌ای باور داشتند اگر سبزه دیر سبز شده بود، دست سبزکننده سنگین برشمرده می‌شد که کارهایش در همه سال با درنگ به انجام می‌رسید؛ اگر سبزه‌هایش زیبا و یکدست سبز شده بود، سالی خوب و کامی روایرایش می‌داشتند و باور داشتند کارهایش در سال پیش رو پیش می‌رفت. اگر زمانی ریشه‌ها می‌گندید آن سال را با تلف مال یا از دست رفتن کسی همراه می‌دانستند. یک شب به تحویل سال را شب علفه می‌نامیدند زیرا سبزی‌ها پاره پاره، رخت و زشتی را از تن بیرون می‌کردند. مردم در این شب سبزی‌پلو، کوکوسبزی و ماهی می‌پختند. پاره‌ای ثروتمندان بر پایه رسمی نیک برنج، روغن، ماهی و تخم‌مرغ به در خانه‌های مستمندان می‌بردند. چیدن سفره هفت‌سین اهمیتی بسیار داشت و اگر چیده نمی‌شد سالی بدشگون در پیش بود. قصه‌ها و افسانه‌های پای سفره هفت‌سین، از آداب نیک گذشتگان بوده؛ داستان‌هایی چون قصه «عمو

را از کارهای اصلی پیش از عید برمی‌شمرد «لباس اطفال را از رنگ‌های زنده سبزه، سرخ، زرد و آبی خانه‌ای و واجبات هر خانه بود». عبدالله مستوفی نیز در کتاب «شرح زندگانی من» خانه‌تکانی و نظافت را تقلیدی از طبیعت دانسته است که مردم آن را به زندگی خود می‌کشاندند «ظروف مسی خانه حکما به سفیدگری فرستاده می‌شد، باید مس‌ها برای عید رویگری شده و براق و درخشان باشند. آب حوض و آبنبار خانه را حکما عوض می‌کردند. فرش‌ها را تکان داده، رخت‌های نور را پوشیده، سر سفره عید می‌چیندند». بسیاری از مهمانی‌های عید را دربرمی‌گرفت، یکی از سرگرمی‌های اصلی مردم و سنت‌های ریشه‌دار نوروز بود. هنریش بروگش درباره خریدهای نوروزی مردم روایتی جالب دارد «به هنگام نوروز بازارها و خیابان‌ها شلوغ می‌شود و مردم لباس می‌خرند و می‌پوشند. خرید و معامله می‌کنند. از دکان‌ها بسته‌های شیرینی و آجیل می‌خرند و با خود می‌برند و همه اشتیاق زیادی به خرید پیدا می‌کنند. تاجر چشم امیدشان به نوروز است که بتوانند اجناس خود را به فروش برسانند». جعفر شهری نیز خرید لباس برای کودکان و بزرگسالان

را دربرمی‌گرفت. ساییدن ظروف برنجی و مسی و آبکاری آنها و نظافت همه کتج و گوشه‌های خانه‌ای و واجبات هر خانه بود». عبدالله مستوفی نیز در کتاب «شرح زندگانی من» خانه‌تکانی و نظافت را تقلیدی از طبیعت دانسته است که مردم آن را به زندگی خود می‌کشاندند «ظروف مسی خانه حکما به سفیدگری فرستاده می‌شد، باید مس‌ها برای عید رویگری شده و براق و درخشان باشند. آب حوض و آبنبار خانه را حکما عوض می‌کردند. فرش‌ها را تکان داده، رخت‌های نور را پوشیده، سر سفره عید می‌چیندند». بسیاری از مهمانی‌های عید را دربرمی‌گرفت، یکی از سرگرمی‌های اصلی مردم و سنت‌های ریشه‌دار نوروز بود. هنریش بروگش درباره خریدهای نوروزی مردم روایتی جالب دارد «به هنگام نوروز بازارها و خیابان‌ها شلوغ می‌شود و مردم لباس می‌خرند و می‌پوشند. خرید و معامله می‌کنند. از دکان‌ها بسته‌های شیرینی و آجیل می‌خرند و با خود می‌برند و همه اشتیاق زیادی به خرید پیدا می‌کنند. تاجر چشم امیدشان به نوروز است که بتوانند اجناس خود را به فروش برسانند». جعفر شهری نیز خرید لباس برای کودکان و بزرگسالان

موقوفات در روزگار صفوی چگونه اداره می‌شدند

## صدر وقف

را به سمت صدراعظم دربار خود انتخاب کرد و عملاً مقام وی حذف شد».

#### دگرگونی مقام صدر

دگرگونی‌های متوالی حکومتی وقف در دوره صفوی به همین جا پایان نیافت. با دگرگونی‌های کلان در حوزه سلطنت به‌ویژه رفتن یک شاه و جایگزینی پادشاهی دیگر، ساختار حکومتی گاه با دگرگونی‌های بزرگ روبه‌رو می‌شد. حوزه موقوفات نیز از این دگرگونی‌ها برکنار نبودند به‌ویژه آن که در دوره صفوی، هم موقوفات گسترده بود، هم دولت توجه ویژه به آنها داشت. این مسأله را می‌توان از کوشش‌های پرنگ درباریان و خاندان سلطنت در ایجاد بناها و تأسیسات وقفی در این دوره یاد کرد. شاردن در سفرنامه خود دگرگونی‌های یادشده در حوزه اداره موقوفات را پس از شاه عباس دوم این گونه توصیف می‌کند «بسر و جانشینش چون به سلطنت رسید نقشه و هدف پدرش را پیروی و دنبال نکرد و امور مربوط به صدر را به دو قسمت جداگانه تقسیم نمود و هر قسمت را به یکی از دو صدر سپرد». از این دوره می‌توان دریافت جایگاه صدر به دو بخش تقسیم شده است و هر یک مسئولیت‌هایی بر عهده داشتند «صدر خاصه مسئول اداره امور خالصه دولتی، و صدر عامه امور تنظیم کارهای موقوفاتی شد که اشخاص مختلف وقف کرده بودند». جهانگرد فرانسوی از این دگرگونی به‌عنوان کاهش دهنده قدرت و نفوذ مقام صدر در حوزه موقوفات یاد می‌کند «این تقسیم‌مقام مایه کاهش قدرت و نفوذ صدر شد؛ و گفتنی است که مرتب و مقام صدر خاصه از آن صدر عامه بسی بالاتر است. و قبل از آن که این مقام به دو شعبه تقسیم گردد تصدی آنرا صدر موقوفات می‌نامیدند».

مهمترین وظیفه صدر، اداره بخش موقوفات و نظارت بر امر قضاست. در بخش موقوفات، مسئولیت اصلی از آن صدر بود و با توجه به اهمیت وقف و این که موقوفات منبع مهم درآمد برای اداره مسجدها و مدرسه‌ها و دیگر بقعه‌های متبرک بوده

گونه مستقیم در حوزه اداره موقوفات وارد نمی‌شده است «وی را سا و مستقیماً املاک گسترده بودند که مدیریت ندارد، و دیوان محاسبات در امور آن اعم از تقسیم و اداره کردنشان دخالت می‌کند». کمپفر، دیگر جهانگرد اروپایی، از مقامی به نام وزیر موقوفات سخن می‌راند که در صورت درگذشت صدر، سمت وی را عهده‌دار می‌شد. شاردن نیز از مستوفی موقوفات یاد می‌کند که نایب و دستیار صدرها بوده و در صورت غیبت، وظایف آنان را بر عهده می‌گرفت.

شاردن در این میانه، به رخدادی در یک دوره ویژه از روزگار صفوی اشاره می‌کند که موجب شد اختیارات مقام صدر در زمینه موقوفات کاهش یابد «پیش از آن که شاه کلیه امور موقوفات را به اختیار خود بگیرد و صدر و در غیابش معاونش آن را اداره می‌کرد. گفتنی است از زمانی که پادشاه امور موقوفات را در اختیار خویش گرفت در آن اشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها در وجود آمد، زیرا وی به پادشاه هدیه‌هایی که به او داده می‌شود تالیف قسمتی از موقوفات را بر تقدیم کرده هدیه و اگاذا می‌کرد». این وضع در دوره شاه‌عباس دوم گویا دگرگون شد. منابع تاریخی از تدبیرهای او برای جلوگیری از بخشش‌های بیجا از موقوفات و اشفتگی‌های بی‌امده از آن سخن می‌راند. شاردن با اشاره به این مسأله البته به یک دگرگونی بزرگ دیگر در زمینه جایگاه صدر و تولیتش بر موقوفات اشاره می‌کند «شاه‌عباس ثانی به تدبیر جلوی این بذل و بخشش‌های بی‌جا و اشفتگی‌های حاصل از آن را گرفت، و چون اصولاً با نفوذ و قدرت صدر در امر موقوفات مخالف بود تصمیم کرد این مقام را به‌طور کلی از میان بردارد. بدین منظور هجده ماه پیش از مرگش صدر

موقوفات در روزگار صفوی چگونه اداره می‌شدند

زان شاردن، جهانگرد فرانسوی که در روزگار صفوی به ایران آمد و سفرنامه‌ای از زمین‌نگاشت، آگاهی‌هایی از رزشمند درباره ساختار مدیریت وقف در آن دوره به دست می‌دهد. شاردن بیش از آن که ساختار اداره وقف را در دوره صفوی توصیف کند، به ریشه واژه «موقوفه» می‌پردازد «موقوفه از کلمه وقف اشتقاق یافته که به معنی غیر محلی، دور افتاده، پابرجا و به عبارت دیگر چیزی است که نمی‌توان آن تغییر و تبدیل به عمل آورد، و دخل و تصرف در آن کرده و در اصطلاح دینی چیزی است که نذر مسجد و اماکن مقدس و اعمال مذهبی می‌شود». این سیاق پرآوازه در بخش مربوط به توصیف وضع «هیأت روحانیان» در دوره صفوی، به مقامی با نام آیت‌الله اشاره می‌کند که «صدر» نامیده می‌شود. او سپس به جایگاه، وظایف و مسئولیت‌های صدر می‌پردازد «صدر در قضات کلیه موضوعاتی که با امور معنوی رابطه داشته باشد اختیار نام دارد، همچنین بر همه امور موقوفات و چگونگی عمل ناظران آن نظارت می‌کند و تصدیق و مسؤول آنهاست». صدر اما گویا به



صدر وقفی هنر شاه سلطان حسین - نقاشی اسکال کوسندر - اوایل دوره قاجار

است، به‌خودی‌خود مسئولیت‌هایی دیگر را نیز برای صدر به همراه داشت. آن گونه که تاورنیه روایت کرده است منصب صدارت در دوره شاه عباس دوم و نیز جانشینش سلیمان، به دو بخش خاصه و عامه تقسیم می‌شده است. به نوشته وی، منصب صدارت روحانی در شخصی واحد محدود و متمرکز نمی‌شد؛ گاه ممکن بود دو نفر صدر باشند، چون موقوفات در ایران بر دو بخش بود یکی موقوفات سلطنتی، دیگری موقوفات متفرقه. تاورنیه تصریح می‌کند که به همین دلیل مقام صدر گاه به دو نفر واگذار می‌شد؛ فردی که رئیس موقوفات سلطنتی بود صدر خاصه نام داشت و کسی که رئیس موقوفات دیگر بود، لقب صدرالموقوفات می‌گرفت.

#### تشکیلات صدر خاصه و صدر عامه

در واپسین دهه‌های دولت صفوی، مقام صدارت تا اندازه‌ای نظراً اوقاف کاهش یافت. البته با توجه به گسترده‌گی پدیده وقف در این دوران و این که درآمد به دست آمده از وقف برای اداره افرادی که در مدرسه دانش موخته یا به گونه‌های مسائل شرعی را حل‌وفصل می‌کردند، همچنان حوزه قدرت صدر گسترده بود. به همین دلیل در نگاه‌ناظران غیرایرانی که بیشتر به ترکیب اداری و ساختاری دولت صفوی توجه داشتند، صدر همچنان بالاترین مقام روحانی به شمار می‌رفت. جزئیات تشکیلات صدر خاصه و صدر عامه را از درچه منابع تاریخی می‌توان دریافت. شاردن در این باره می‌نویسد «این دو صدر هر یک دفتر و محکمه‌های جداگانه دارد. هر چه مقامشان برابر است، اما صدر خاصه چون مسئول و متصدی موقوفات سلطنتی است سازمان مفصل‌تر و دستگاه مجلل‌تر و وسیع‌تر دارد، و در جمع جامندان و بزرگان کشور صاحب دومین مقام است، و در هر مجلس رسمی در طرف چپ پادشاه می‌نشیند، و صدر عامه زیر دست وی قرار می‌گیرد، و جای صدر اعظم در طرف راست پادشاه است. این هر دو در همه مجالس رسمی حضوری می‌یابند».